

مسأله ای است بسیار دقیق و قابل تأمل که اگر درباره آن به نحو صحیح بیندیشند بی گمان زندگانی دوباره از سر خواهد گرفت و اگر نتواند چونان گذشته زبان حال و قال مردمان فرهیخته آن دیاران گردد، دست کم نظرهای فراوانی معطوف به خویش خواهد کرد؛ هر دینار که در این راه بیفشانند صدها درم و دینار، هم از لحاظ اقتصادی و تجاری فرا چنگ خواهند آورد و هم خرمی از خوشه های معرفت و فرهنگ محصول این بذرافشانی خواهد بود و اگر امروز کوچکترین تعللی جایز شمرند فردا خیلی دیر خواهد بود.

شبه قاره هند از این نظر جایگاه و پایگاهی خاص دارد تا آنجا که شاید بتوان گفت: احیاء زبان فارسی در آن سرزمین برابر با احیاء آن در سراسر جهان است و رخت بر بستنش از آن دیار سرآغاز پاکشیدن از دیگر بلاد.

برای اثبات این مدعا مقایسه ای بین چین و شبه قاره کارساز می نماید. جمعیت چین با جمعیت شبه قاره [هند و پاکستان و بنگلادش] کمابیش به یک اندازه است. در سالهای اخیر در راه گسترش و نفوذ فارسی در چین گامهایی مؤثر از سر هوشمندی برداشته شده است که از آن جمله تألیف فرهنگ چینی به پارسی است دانشجویان چینی نیز در فراگیری زبان فارسی جهد بلیغ می نمایند اما گمان نمی رود این گستره زبانی از محدوده روابط اقتصادی و تجاری و تا حدی فرهنگی آن هم در حد ترجمه برخی از متون در گذرد و البته این امری است در خور توجه و تحسین. اما اگر در راه احیاء و گسترش زبان فارسی در شبه قاره تلاش شود علاوه بر جنبه های اقتصادی و تجاری، متضمن فواید فراوان فرهنگی - اجتماعی، احیاء موارث مشترک و استحکام پیوندهای دیرین عاطفی خواهد بود.

به یاد آوریم که تنها در یکی از شهرهای هند به نام حیدرآباد علاوه بر موزه و کتابخانه عظیم سردار جنگ بیش از چهارده لک [هر لک ۱۰۰/۰۰۰] سند خطی تاریخی موجود است و یکی از استادان فارسی دانشگاه عثمانیه - که در همین شهر است - زبان حال خود را دردمندانه چنین می سرود:

کشتی نشستگانیم ای باد شرطه برخیز

شاید که باز بینیم دیدار آشنا را

گزارش سفر

دکتر سیدعلی محمد سجادی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

هو الولی الحمید

با اهداء سلام و آرزوی توفیق:

با قبول این امر که دین مبین اسلام مایه قوام و دوام ملت بزرگ ایران با نژادهای مختلف چون ترک و کرد و بلوچ از یکسو و موجب همدلی و همفکری مسلمانان جهان - صرف نظر از نژاد و ملیت و سیاستهای گوناگون - از سوی دیگر است؛ به ناچار باید مقام و منزلت زبان و ادب فارسی را که زبان دوم دنیای اسلام و زیربنای اساسی فرهنگ و تمدن ایران و مایه فخر و مباهات ایرانیان است باز شناخت و آن را چنانکه باید ارج نهاد و شک نیست که این باز شناخت و ارج نهادن را باید از درون کشور آغاز کرد و این مهم، نگرشی دوباره را در برنامه ریزی، هدفهای آموزشی، کتب درسی و بازار کار برای فارغ التحصیلان رشته ادبی و علوم انسانی در مقاطع دبیرستانی و دانشگاهی می طلبد و به یقین تا ریشه های این درخت در اعماق خاک کشور استوار و پابرجای نشود نمی توان امید آن را داشت که در خارج از مرزهای مملکت سایه گسترد و بار آورد.

* * *

مسأله زبان و ادب فارسی در فراسوی مرزهای ایران

آنان به هزینه دولت عربستان و به نام ملک فیصل بود؛ این در حالی است که ما در سال گذشته نتوانسته ایم حتی ده مشتاق هندی را در دانشگاههای خود برای مدت سه ماه مهمان کنیم و پارسی بیاموزانیم!!

ممکن است گفته شود زبان فارسی در هندوستان نیازی به پشتوانه مادی، تبلیغی و تشویقی ندارد بلکه جاذبه دیرین فرهنگی هنری آن که پنجه در پنجه تمدن کهن هند دارد کافی است که آن را دوباره جانی تازه بخشد. این سخن گرچه به ظاهر منطقی می نماید اما بین واقعیت و حقیقت فاصله هاست. امروزه دستهایی در کار است که کار این زبان را در شبه قاره یکسره کند و این دنباله روشی است که از دو قرن پیش سیاست استعماری انگلستان آن را اعمال می کرد. فارسی که دانستن و سخن گفتن بدان روزگاری مایه افتخار بود و نشان اصالت و فرهیختگی، امروز تقریباً جایی در میان آن قوم ندارد و اگر چنین نبود باید یکی از شانزده زبان رسمی هندوستان محسوب می گشت. فارسی را امروز بر سر در مساجد، معابد، خانقاهها و ساختمانهای جاودانه ای چون تاج محل، قلعه آگرا و قلعه سرخ و... می توان دید نه بر سر زبانها و این در حالی است که مشتاقان فراگیری و تکلم بدین زبان و به دلایل مختلف فراوانند.

گفته می شود - و بدین گفته ها تا چه حد می توان اعتماد کرد - که بیش از ده هزار نفر در سطوح مختلف در هند فارسی می آموزند، البته فارسی را به اردو یا هندی و یا انگلیسی! از اینرو کم نیستند کسانی که در زبان و ادب فارسی دکتری دارند و از انتقال افکار خود به پارسی عاجزند.

* * *

جای کمال خوشوقتی و امتنان است که در سالهای پس از انقلاب گامهایی هرچند کوتاه در راه احیاء پارسی برداشته شده است که از آن جمله است تشکیل همه ساله کلاسهای بازآموزی مدرسان و استادان زبان فارسی سراسر هند که امسال نهمین دوره آن در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی نواز تاریخ ۱۸ لغایت ۳۰ اردیبهشت ۷۲ تشکیل شد و به پاس خدمات

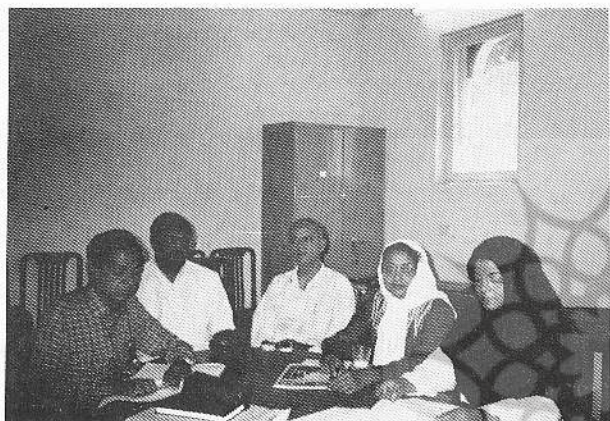
و هم او [خانم دکتر بشیرالنساء] از گرد نیسانی که بر چهره پارسی نشسته است حکایتها می کرد و می گفت اکنون که گامی مستقیم در دستگیری از این زبان برداشته نمی شود، دست کم «زبان اردو» را یاری کنید. زبانی که بیش از شصت درصد کلمات آن پارسی است تا بوی گل را از گلاب بشنویم! بدینها بیفزاید اسناد فراوان و ناشناخته پارسی را که در «آرشیو ملی» هند موجود است و نیز کتابهای بسیار نفیس و عظیم النظیری که هم اکنون در قفسه های «موزه ملی هند» نگهداری می شود، قرآنی به خط مولی علی بن ایطالب (ع)، قدیمترین نسخه مصور شاهنامه، روضة الصفا به خط مؤلف، تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری نوشته شده در ۶۱۳ هـ.ق، قدیمترین نسخه مصور مثنوی، قرآنی به خط کوفی، نسخه ای نفیس از پنج گنج نظامی، نسخه ای از کلیات سعدی که گویند قدیمترین نسخه در جهان است، تذکرة دولتشاه به خط مؤلف و دهها نسخه نفیس دیگر. و هنوز در آرشیو ملی و موزه هند هستند کسانی که به پارسی سخن گویند و بازدیدکنندگان را راهنمایی.

عقل سلیم حکم می کند که جمهوری اسلامی ایران و دولتمردان و صاحبزادان و دلسوزان هند و پاکستان و بنگلادش دست به دست هم دهند و پارسی را دگر بار جان بخشند تا تأثیر متقابل تمدن و فرهنگ خود را ارزیابی کنند و آینده ای امیدبخش بر شالوده استوار کهن بنا نهند. در روزگاری که جمهوری اسلامی ایران خود را طلیعه دار مکتب متعالی اسلام می داند نباید از نقش کشورهای غربی و به ویژه عربستان سعودی در مقابله با مکتب تشیع و زبان فارسی و حضور ایران در صحنه های مختلف جهانی غافل ماند.

در میان استادان زبان فارسی هند، جوانی را دیدم که به عربی فصیح سخن می گفت. پرسیدم عربی را از که و چگونه آموخته ای؟ معلوم شد او از خیل عظیم تربیت یافتگان جامعه المدینه است. هم او می گفت ۶۰۰۰ نفر در این دانشگاه به هزینه عربستان در دوره های کوتاه مدت و بلند مدت عربی و فقه و احکام برابر برنامه سعودیها می آموزند و اینان چون به دیار خویش بازگردند مبلغان سیاستها و عقیدتهای آل سعود نیز خواهند بود. در کابل نیز دیده بودم که بزرگترین مجمع آموزش الهیات

یدالله ثمره بود. دانشجویان مشتاق این کلاس می کوشیدند تا مشکل انتقال مفاهیم خود را مرتفع سازند و به پارسی تکلم کنند. در کلاس دوم تکیه بر متون ساده فارسی، روزنامه ها، مجله ها و نوشته های ساده بود تا روانتر بنویسند، بهتر بخوانند و آسانتر صحبت کنند. نکات اساسی دستور زبان و برخی از اصطلاحات ادبی، ضرب المثلهای مشترک ایران و هند بازگو می گشت و هر دانشجو خواه ناخواه ولو برای چند دقیقه تمرین زبان و ممارست در متون قابل فهم داشت.

نود درصد از داوطلبان، این کلاسها را برگزیده بودند و ده درصد باقیمانده در کلاس پیشرفته حضور داشتند.



در این کلاس سخن از ادبیات محض بود - اعم از قدیم و جدید - غزلی چند از سعدی، حافظ، صائب، بیدل و غالب مطرح گشت، نخست خود می خواندند و دریافتهای خود بر زبان می راندند و سپس همکار ایرانیشان نظر خویش را ابراز می کرد و ایشان به ویژه مشتاق بودند تا از سرایندگان و نویسندگان، طنزپردازان و هنرمندان ایران پس از انقلاب نامی بشنوند یا اثری بخوانند که البته در حد مقدور این نیاز برآورده می گشت. در خلال کلاسهای درس، استادان هندی مقاله ها و نوشته های خویش را قرائت می کردند، اطلاعاتی به دست می دادند و به پرسشها پاسخ می گفتند، از مشکلاتی که در راه اشاعه فارسی است سخن می راندند و امید راه گشایی داشتند. و سرانجام نوبت به کلاس عمومی می رسید که همه در آن فراهم می نشستند، می گفتند و می شنیدند، مشاعره می کردند و... تا آموخته ها را در عمل نیز بیازمایند.

صادقانه منشی «تول کیشور»، به نام او نامیده گشت.

نام و یاد این منشی بزرگ هندو که صد سال پیش از این با ابتدایی ترین وسایل، تنها و تنها به دلیل عشق به زبان و فرهنگ ایرانی کمر همت بر بست و فرسنگها دور از ایران و ایرانی به طبع و نشر بسیاری از کتب پارسی پرداخت و شهر او «لکهنو» به برکت وجود او مرکز اشاعه زبان و ادب و تاریخ ایران زمین بود و بیش از یک هزار جلد کتاب نفیس به زیور طبع آراسته شد، خاطره انگیز و احترام آمیز است.

جای سپاسگزاری است که رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با تلاش فراوان، نمایشگاهی از کتب چاپ شده در مطبوعه او را همراه با وسایل چاپ و الواح سنگی و دست نبشته ها و تصاویر شخصی او فراهم آورد و به معرض تماشای همگان گذاشت.

این نمایشگاه، دوران عظمت و شکوه زبان فارسی را در هند به یاد می آورد، چه آنکه به چشم خود می دیدی پیش از آن که کتابی در ایران چاپ شود در شهر لکهنو و زیر نظر هندوی ایرانی دوست و فرهنگ پرور انتشار یافته است و هر ایرانی دریغ می خورد و جای دریغ نیز هست که پارسی اکنون چنان حال و روزی دارد که سال گذشته آن را از شمار یکی از زبانهایی که دانستن آن برای احراز مشاغل دولتی ضروری است حذف کردند و اگر تلاش انجمن استادان زبان پارسی هند نمی بود و ابطال این تصمیم را عملی نمی کردند فروغ کم رنگی که موجب روی آوردن به آموختن زبان پارسی بود نیز خاموشی می گرفت!

* * *

امسال در کلاسهای بازآموزی، تحوّل اساسی صورت گرفت بدین معنی که حدود صد تن از شرکت کنندگان، بر حسب فارسی دانی و نحوه تکلم و میزان تحصیل و پیشرفتشان در فراگیری این زبان در سه کلاس ابتدایی، متوسطه و پیشرفته جای گرفتند.

در کلاس نخستین تکیه بر آموزش زبان فارسی بود و کتاب مورد تدریس، آموزش زبان فارسی - آرفا - تألیف استاد دکتر

بررسیهای به عمل آمده نشان داد که این تقسیم بندی بسیار مؤثر و کارساز بوده است و بیش از آنچه انتظار می رفت، در این دو هفته نتیجه به دست آمده است.

* * *

سرمایه اندک و سود بسیار

فارسی دانان هند عموماً مردمی قدرشناس، نجیب، قانع و منیع الطبعند. عشقشان به ایران و فرهنگ آن قابل انکار نیست. هنوز هم نوایی از غزل خواجه شیراز به وجدشان می آورد. واژه ایران و ایرانی را مقدس می دانند. دل درگرو زبان فارسی دارند. بر ماست که این همه را نادیده نینگاریم. باید مراکز دانشگاهی و انتشاراتی ما و بخصوص وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرهنگ و آموزش عالی و آموزش و پرورش و نیز کانون پرورش فکری کودکان برای آنان کتاب، نشریه و مجله ارسال دارند و البته نه با ارز آزاد!

به خدا سوگند که پرداختن سوبسید برای کتب فارسی جهت مشتاقان هندی امری است خداپسندانه و آینده نگرانه.

هنوز حتی در دهلی کتابخانه ای که کتب فارسی را بفروشد نیست و اگرگاه نمایشگاهی برپا می شود قیمتها چنان گران است که عطایش را به لقایش می بخشند.

هنوز در دانشگاههای هند کتاب «معیار جمالی» و «نصاب الصبیان» فراهی تدریس می شود. و ما چگونه باید انتظار معجزه از آنان داشته باشیم. آیا وقت آن نرسیده است که کتاب یا کتابهایی در این زمینه تألیف و یا ارسال گردد!!؟

تأمین آزمایشگاههای مجهز جهت آموزش زبان فارسی، تهیه



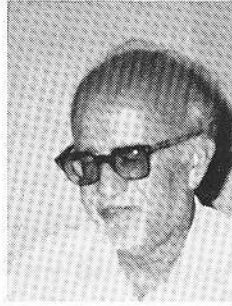
* * *

همین و بس؟!!

اهمیت و عمق مسأله بیش از آنست که با تشکیل کلاسهای به مدت ده یا پانزده روز بتوان آن را تمام شده انگاشت. شک نیست که تشکیل این کلاسها از اهم واجبات است و هر سال و بیش از یک نوبت باید صورت پذیرد و حتی به طور متناوب و هم زمان علاوه بر دهلی در شهرهای دیگر هند همچون علیگر، پتنا، کلکته، و لکهنو و ایالت بیهار و بنگال غربی نیز کلاس دایر شود، برنامه ریزیها با پیش بینی قبلی و با نظرخواهی از کسانی که بناست بدان صوب اعزام شوند طراح و دقیقاً عملی گردد؛ از شرکت کنندگان در پایان کلاسها امتحان به عمل آید، بهترینهایشان مورد تشویق قرار گیرند و بدانان جوایزی عطا شود و کدام جایزه بهتر از اعزام به ایران و گذراندن دوره های کوتاه مدت و بلندمدت.

* * *

کشورهای جدیدالاستقلال آسیای میانه چاره ای اندیشیده اند که برای هند نیز می تواند سرمشق باشد، فی المثل قزاقستان با دانشگاه تهران قرارداد همکاری بسته است و قرقیزستان با دانشگاه شهید بهشتی. تبادل استاد و دانشجو از این طریق، هم عملی تر است و هم آسانتر. اگر هر یک از دانشگاههای ایران که اغلب رشته تخصصی ادبیات فارسی هم دارند در هر نیمسال فقط ۵ دانشجوی هندی را بپذیرند و تحت آموزش قرار دهند، در کوتاه مدت صدها تن فارسی دان هندی خواهیم داشت که میسران راستین انقلاب نیز خواهند بود، و البته این همه، وقتی مؤثر است که هماهنگی لازم میان وزارتخانه های خارجه، ارشاد و آموزش عالی به عمل آمده باشد.



دکتر رضا مصطفوی

دانشگاه علامه طباطبائی - تهران

ضرورت تدوین

فرهنگ‌های فارسی - هندوستانی

و روش عملی آن

کمال سرّ «محبت» بین نه نقص گناه

که هر که بی هنر افتد نظر به عیب کند

«حافظ»

دو قوم ایرانی و هندوستانی، هر دو نژادی آریایی دارند که در آغاز تمدن از آسیای مرکزی و ناحیه پامیر به ایران و هند مهاجرت کردند و بومیان محلی را تحت تأثیر فرهنگ و تمدن خود قرار دادند. خویشاوندی بسیار نزدیک این دو قوم و مجاورت و همزیستی قرن‌های متمادی آنان در کنار یکدیگر، سبب گردید تا بیشتر پدیده‌های زندگی آنها همچون ادبیات و فلسفه و هنر و دیگر مظاهر فرهنگ و حتی دین و اخلاق و آداب و رسوم و از جمله زبان آنها بسیار به هم نزدیک باشد و زیربنای فرهنگی مشترک پیدا کنند. همین پیوستگی نژادی نیز انگیزه‌ای گردید تا در ازای قرون و اعصار همواره روابطشان محفوظ ماند و با دگرگونی‌های سیاسی نیز فتوری در آنها راه نیابد. هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان با دربارهای هند روابط نزدیک داشتند، کوروش و همچنین داریوش نواحی شمال غربی هند یعنی کابل و

وارسال فیلمهای ویدیویی و... تنها اندکی از اقداماتی است که باید همواره مد نظر باشد.

حضور جناب آقای جنتی معاون محترم امور بین الملل وزارت ارشاد اسلامی ایران، سفیرکبیر جمهوری اسلامی ایران، و آقایان J.D. VELI رئیس محترم سازمان اعانه دانشگاههای سراسر هند و علی اکبر ترمذی رئیس محترم اسبق آرشو ملی هند در جلسه افتتاحیه سمینار بیانگر اهتمام دولتمردان دو کشور در احیاء زبان فارسی است و دریغ که جناب سفیر که به پارسی خوش سخن می رانند، سمینار را به انگلیسی گشودند و همگان را متعجب ساختند! ایشان گفتند و درست گفتند که پارسی در هندوستان تنها یک زبان نیست بلکه یک فرهنگ است و فرهنگ نه آسان شکل می پذیرد و نه آسان رنگ می بازد.

معاون محترم وزارت آموزش و تأمین نیروی انسانی هند که فضل و فضیلت را توأم داشت در جلسه اختتامیه ضمن ارج نهادن به زبان پارسی به دسیسه استعمار انگلیس پرداخت که:

«اینان حتی تلفظ نام شهرهای ما را دگرگون ساختند تا مراحل تاریخی و مراتب فرهنگی گذشته ما را از ما بگیرند و ما را با فرهنگ و تاریخ ما بیگانه سازند و...»

* * *

این مقال سامان نمی پذیرد مگر آن که از همه عزیزانی که برای فارسی و فرهنگ اسلامی ایرانی دل می سوزانند سپاسگزاری کنم. بیش از صد نفر را در دیار غربت مهمان داشتن نه کاری است خرد و اگر سعه صدر و تلاش رایزن محترم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همکاران و همراهانشان نمی بود این توفیق نصیب نمی گشت. خدایشان دست گیراد تا پارسی را دستگیر شوند.

از انجمن استادان زبان فارسی هند و رئیس فهیم و سخت کوش آن جناب پرفسور اظهر بیک دهلوی نیز باید سپاسها داشت و توفیق روزافزونشان را آرزو کرد. ■

* * * * *